

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

ماهنامه اعتراض شماره هشتم

۰۶ اگست ۲۰۲۰

سخن نخست

## مبارزه کارگران در عرصه سیاسی

کارگران در افغانستان در تمامی بخش‌ها با نداشتن اندک‌ترین امکانات ایمنی و صحتی، سخت‌ترین کارها را انجام می‌دهند. با وصف آن دستمزدی که دریافت می‌کنند؛ هیچ‌گاه هزینه تأمین خوراک و نیازهای روزمره خود و خانواده‌های شان را تأمین کرده نمی‌تواند. کارگران شهرداری تالقان، کارگران معادن ولایت بغلان و کارگران بیمارستان‌های کووید-۱۹ در کابل به دلیل به تعویق افتادن حقوق چندین ماهه و کم بودن دستمزدهای شان، دست به اعتراض و تحصن کاری زدند؛ اما به دلیل ناهنجاری‌های حاکم مثل ناامنی، وجود بخشی بزرگی از نیروی کار به عنوان ارتش ذخیره بیکار و مهمتر از همه نبود اتحاد وجود تفرقه و انشقاق مبنی بر تعلقات ائتیمی و تباری در میان کارگران، این اعتصابات و اعتراض‌ها حتا تا بر آورده شدن خواست‌های آنی و ابتدائی کارگران، ادامه نیافت.

طبقه کارگر برای آن که بتواند خواست‌ها و مطالبات آنی، اساسی و آتی خود را به دست آورد، هیچ راهی جز اتحاد و همبستگی ندارد؛ بورژوازی انسان‌ها را بر مبنای قوم، زبان، جغرافیا، مذهب و ... پارچه پارچه ساخته است؛ در افغانستان ناسیونالیسم قومی از قوم، محل و زبان دفاع می‌کند و ناسیونالیسم عظمت طلب از کشوری با پیشینه تاریخی یک "ملت" واحد. اما بحث اصلی و خیلی مهم برای طبقه کارگر این است که این جدال، نبرد صاحبان سرمایه و طبقه سرمایه‌دار برای کسب منفعت‌های اقتصادی-سیاسی است که طبقه کارگر نه تنها هیچ سهمی در این تقسیم بندی‌ها ندارد بلکه عملاً و اساساً این جدا سازی‌ها سیاست آگاهانه برای تفرقه و پراکندگی این طبقه است. جامعه افغانستان و به همین‌گونه جوامع در سراسر جهان، از کلان شهرها تا دور افتاده ترین روستاها مهر طبقاتی خورده اند. طبقات ثهی دست جامعه برای گذراندن یک شب هم به صاحبان سرمایه که زمین، آکسیجن و ... را به کالا مبدل ساخته اند، تحت عنوان کرایه، اجاره، رهن و غیره باید پول بپردازند. بحث دیگر، این که خود مفاهیم "ملت و ملیت" و پروسه تعریف آن‌ها خیلی انتزاعی و نا متعین است و صبغه علمی ندارند. هویت ملی برآیند تلاش نیروی‌های رنگارنگ ناسیونالیستی بوده نه محصول طبیعت و تقسیم بندی‌های واقعی بین انسان‌ها.

ساکنان هر کشوری، از جمله افغانستان، قبل از آن که پشتون، تاجیک، ازبیک، هزاره، کُرد، بلوچ، ایماق، پشه‌ئی، مغل و غیره باشند از بُعد تعیین مادی انسان هستند و پس از آن، در تعیین اجتماعی با در نظر داشت این که ارتباط شان با وسایل تولید چیست، تعریف می‌شوند. اگر صاحب وسایل تولید و ابزار کار باشند و از قبل این مالکیت بر پروسه کار و تولید

نظارت داشته و از این مجرا از کار اضافی کارگران انباشت سرمایه کنند، سرمایه‌دارانند. اگر مالکیتی بر وسایل تولید نداشته و تابع وسایل تولید هستند جزئی از طبقه کارگر و طبقات ثهی‌دست جامعه می‌باشند. البته منظور این نیست که در جامعه به استثنای این دو طبقه، طبقات و لایه‌های اجتماعی دیگری زندگی نمی‌کنند. می‌تواند طبقات و لایه‌های اجتماعی در پیکار طبقاتی است که تعیین کننده است. طبقه کارگر نظر به موقعیت اجتماعی که در پروسه تولید دارد و از آنجا که نیازهایش فقط زمانی برآورده می‌شود که نیازمندی کل جامعه بر آورده شود، کلید رهایی جامعه را از بردگی مزدی و اشکال دیگری ستم اجتماعی، در دست دارد.

بنابراین، زدودن کشمکش‌های ناسیونالیستی و جنگ هویت‌های دروغین و ضدانسانی جاری نیز بر دوش جنبش طبقه کارگر سنگینی می‌کند. کارگران هیچ منفعتی در تقسیم بندی‌های اجتماعی مبنی بر تعلقات قومی، سمتی، زبانی، مذهبی و ... ندارند. برای طبقه کارگر بحث‌های میلیتی، سوای آن که از طرف کدام جناح از بورژوازی و قدرت حاکمه به کار برده می‌شود، افکار بسیار عقب مانده و تمایلات نهایت ضد انسانی است.

اعتراض‌ها و اکسیون‌های کارگران هرچند در سطح مطالبات و خواست‌های صنفی هم که باشد، یک مبارزه در عرصه سیاسی است، کارگران برای رهایی خود و جامعه نیازمند داشتن تشکل‌های مستقل کارگری اند. شکل‌گیری تشکیلات و میکانیزم‌های سیاسی طبقه کارگر برای برداشتن شرایط غیرانسانی در جامعه، مستلزم وحدت و یک پارچگی هرچه بیشتر کارگران به‌دور از تعلقات انتیکی و تباری است. هر قدر کارگران پشت کاراکترها و فیگورهای قومی و زبانی صف بکشند به همان حد در رهایی از بند فقر و فلاکت، بیچاره و ناتوان می‌شوند. در افغانستان کارگران با تجربه و مبارزه دریافته اند که رهبران قومی و زبانی هر قدر که صاحب قدرت، منصب و جاه و منال شده اند، نه تنها سود و نفعی برای کارگران و طبقات فرودست جامعه نرسیده است؛ بلکه بیشتر از پیش، از طبقات پائینی جامعه قدرت سواری کشیده اند.

نشریه اعتراض همان گونه که در شماره اول، تحت عنوان "چرا اعتراض؟" در بند اول و دوم آن تصریح نموده که صدا و تریبون طبقات تهیدست جامعه به‌ویژه طبقه کارگر است و برای سازمان‌یابی و تشکل‌یابی این طبقه بدون وقفه مبارزه می‌کند. از همه کارگران و فعالان کارگری می‌خواهد که در یک صف واحد از اعتراض‌ها، اعتصاب‌ها، خواست‌های کارگران حمایت کرده و صدای بحق و خواست شان را به همه کارگران در سراسر افغانستان و جهان برسانند.